بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مرور گذشته 2](#_Toc435691900)

[تأخر اقدامات عملی بر غیرعملی 2](#_Toc435691901)

[دلیل شاخص چهارم 2](#_Toc435691902)

[نکته مهم 3](#_Toc435691903)

[الگوسازی 3](#_Toc435691904)

[الگوسازی از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر 4](#_Toc435691905)

[مرحله و رتبه الگوسازی در امربه‌معروف و نهی از منکر 4](#_Toc435691906)

[تغافل 4](#_Toc435691907)

[تغافل از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر 5](#_Toc435691908)

[جمع‌بندی 5](#_Toc435691909)

[عناوین ترتب ترجیحی 5](#_Toc435691910)

# مرور گذشته

جلسه قبل در مورد مراتب نکاتی را عرض کردیم. حاصل بحث نیز این بود که ترتب بر دو قسم است:

الف) الزامی

ب) ترجیحی

در ترتب الزامی، سه محور را بیان کردیم:

1. تقدم واجب الشرایط بر فاقد الشرایط

2. تقدم اموری که مشتمل بر محرم بالذات نیست بر اموری که مشتمل بر محرم بالذات است.

3. تقدم اموری که اخف الحرمت هستند بر اموری که اشد الحرمت هستند.

# تأخر اقدامات عملی بر غیرعملی

شاخص دیگر نیز در ترتبات الزامی وجود دارد، چهارمین شاخص، تأخر اقدامات عملی بر غیرعملی است. مرتبه اول و دوم (قلبی و لسانی)، تقدم مطلق بر مرتبه سوم (عملی) دارد.

شاخص چهارم در ترتب الزامی این است که تمام مواردی که عملی است (چه آن‌هایی که مشتمل بر حرام‌اند و چه آن‌هایی که مشتمل بر حرام نیستند)، تأخر بر مرحله اول و دوم است.

## دلیل شاخص چهارم

تمام مواردی که اقدام عملی است (چه حرام و غیر حرام)، مؤخر از مرحله قلبی و لسانی است زیرا کل اقدامات عملی را ما از باب قدر متیقن مجموعه ادله می‌پذیرفتیم. قدر متیقن این است که اقدامات عملی، جایی است که مراتب لسانی و قلبی میسر نباشد.

البته باید بگوییم که در این شاخص، شبهه‌ای وجود دارد. شاخص‌های قبلی خیلی به مراتب کاری نداشت، بیشتر در درون مرتبه جاری می‌شد؛ اما شاخص چهارم، تمام چیزی که در مرحله سوم است (اقدامات عملی) را متأخر از دو مرحله لسانی و قلبی قرار می‌دهد.

### نکته مهم

اگر کسی بگوید امرونهی یا دعوت شامل مرحله عملی می‌شود، شاخص چهارم وجهی ندارد؛ اما همان‌طور که قبلاً پذیرفتیم، امرونهی مفهوماً شمول نداشت، بلکه به کمک روایات شمول داده شد، از طرفی چون روایات نیز اطلاق ندارد، نمی‌تواند شمول را درست بکند، اطلاق آن تابع اخص مقدمات است، تابع میزان دلالت روایات مربوطه است. روایات نیز دلالت قدر متیقنی می‌کرد.

### الگوسازی

سؤال مهمی که اینجا وجود دارد این است که بعضی می‌گویند، مقصود از اقدام عملی برای ترویج معروف یا دفع منکر، این است که خود شخص، اقدام عملی کند یعنی انجام دهنده معروف و ترک‌کننده منکر باشد. در روایات آمده که خود شخص درست عمل کند تا دیگری نیز یاد بگیرد. این روش الگویی است. در این روش (روش الگوسازی) بیان می‌شود که اگر می‌خواهی کسی را تربیت کنی، ابتدا الگوسازی کن. این روش الگوسازی به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) الگو به شخص معرفی بکنید. از الگوهای گذشته و امروز

ب) خود شخص الگو بشود. این نیز یک نوع اقدام عملی است. مثلاً‌ اگر می‌خواهی بچه‌ات فلان خطا را نکند و از خطاها دورش کنی، خودت کارهای نیک را انجام بده، به‌گونه‌ای که بچه بفهمد که برای وی، این کارها را انجام می‌دهی، یا حتی نفهمد ولی به شکلی انجام بدهد که اثر بگذارد. از نگاه تربیتی، وقتی‌که کودک نفهمد که برای وی این کار را انجام می‌دهی،‌ اثرات تربیتی بیشتری دارد.

الگوسازی نیز یک مرتبه امربه‌معروف و نهی از منکر است. وقتی با نیت اصلاح این کار را انجام می‌دهد، ادله نهی از منکر شامل این مرتبه می‌شود. قطعاً عملی که شخص انجام می‌دهد تا دیگری را از منکر دور کند، مثلاً در مقام غیبت است، ‌اما غیبت نمی‌کند، یا اعمال را به شکلی انجام می‌دهد که دیگری را نیز تشویق به انجام عمل می‌کند، مشمول ادله امربه‌معروف نهی از منکر هست.

#### الگوسازی از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر

اکنون سؤال این است که آیا این الگوسازی، از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر است؟ سؤال بعدی نیز این است که آیا جزء اقدامات عملی است یا خیر؟

سؤال اول را به این‌گونه جواب می‌دهیم که الگوسازی شخص، از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر است؛ زیرا شخص عملی را انجام می‌دهد که به دیگری پیام صحیحی بدهد.

#### رتبه الگوسازی در امربه‌معروف و نهی از منکر

سؤال دوم را نیز به این‌گونه جواب می‌دهیم که الگوسازی شخص، از مرتبه عملی امربه‌معروف و نهی از منکر نیست. این الگوسازی در اطلاق ادله امربه‌معروف و نهی از منکر قرار دارد. یا اینکه می‌گوییم خود کلمه امربه‌معروف، این فعل را در برمی‌گیرد یا اگر کلمه در برنگیرد، شمولی قطعی بر این فعل دارد. وقتی شخص، کار مهندسی‌شده و با برنامه‌ریزی را انجام می‌دهد برای اینکه دیگری از منکر دور بشود، در اطلاق یأمرون و ینهون وارد است. این اطلاق یا لفظی است یا اینکه از طریق تنقیح مناط مشمول می‌شود. البته باید دانست که الگوسازی در مراتب قبل از مرتبه عملی است.

### تغافل

مطلب دیگر در مورد تغافل است. بحث‌های زیادی تاکنون در این مورد کرده‌ایم. تغافل یعنی چشم‌پوشی از خطا.

تغافل دو معنا دارد:

الف) تغافلی که بُعد تربیتی و سازندگی در آن وجود ندارد. امروزه نیز خیلی‌ها غفلت دارند که این نوع تغافل همان جهل است.

ب) تغافل سازنده: یعنی خود را به نادیده انگاری می‌زند به هدف تربتی و سازندگی. شخص دیگری خطایی انجام می‌دهد، ‌اما وی خود را به ندیدن می‌زند. این کار را نیز به این خاطر انجام می‌دهد که دیگری حیا کند و کارش را دوباره انجام ندهد. این تغافل باعث می‌شود که شخص گناهکار و خطاکار، به وجدان خود رجوع کند.

پیرامون تغافل، مباحث بسیاری است. مقصود ما نیز معنای دوم است.

### تغافل از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر

روش تغافل نیز از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر است. یا خود لفظ امربه‌معروف و نهی از منکر شامل تغافل می‌شود یا اینکه مناط و ملاک امربه‌معروف و نهی از منکر این مسئله را در برمی‌گیرد.

### رتبه تغافل در امربه‌معروف و نهی از منکر

قطعاً تغافل جزء مرحله عملی امربه‌معروف و نهی از منکر نیست.

#### جمع‌بندی

دو روش تربیتی را بیان کردیم که از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر بود. اگر بخواهیم همین راه را ادامه بدهیم شاید بتوانیم دیگر روش‌های تربیتی را نیز جزء مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر بدانیم.

## عناوین ترتب ترجیحی

همان‌طور که قبل بیان کردیم گفتیم که ترتب‌ها الزامی و ترجیحی هستند. عناوین ترجیحی نیز زیاد است. در ترتب‌های ترجیحی لین و مدارا را بیان کردیم. عناوین زیاد دیگری نیز وجود دارد. وقتی انسان در چند راه مخیر است که دیگری را به معروف بکشاند یا از منکر بازدارد، این چند راه نیز مشمول چهار شاخص الزامی نیست، می‌توانیم قطعاً عناوین زیادی را برای ترتب آن‌ها نیز بکار ببریم. یکی از این عناوین اکرام و تجلیل است. گاهی روش‌هایی وجود دارد که دارای اکرام و تجلیل بیشتری است. اکرام مؤمن مستحب و بعضی‌اوقات واجب است. یکی دیگر از عناوین احسان است. در روشی، ‌احسان وجود دارد و در روش دیگر،‌احسان وجود ندارد. حسن خلق، خیر‌خواهی، اظهار محبت، اصلاح بین مردم نیز از عناوین ترتب ترجیحی است. قطعاً به‌جز این موارد، عناوین دیگری نیز وجود دارد.